



▲ عکس: حسن حقی



سال‌های سال «دریاچه ارومیه» با رنگ آبی تیره روی نقشه جغرافیای ایران در شمال غربی کشور جا خوش کرده بود و کسی کاری به آن نداشت. نه وسعتش را روی نقشه کم و زیاد می‌کردند و نه رودهایی که به آن می‌ریخت شکلشان عوض می‌شد. اگر هم معلم جغرافیایی از دانش‌آموزان کلاس می‌خواست جای دریاچه ارومیه را روی نقشه نشان بدهند، کمتر کسی در پیدا کردن و نشان دادن این دریاچه وسیع در فاصله بین آذربایجان شرقی و غربی مشکل داشت و فوری نمره این سؤال را می‌گرفت.

چند سال پیش، ناگهان از همه جا خبر رسید که دریاچه ارومیه دارد خشک می‌شود! گوش‌های معلمان و دبیران جغرافیا بیشتر از همه تیز شد. آن‌ها نمی‌خواستند دریاچه زیبای آذربایجان خشک شود و آن را مثل یک بیابان روی نقشه‌هایشان به دانش‌آموزان نشان بدهند. بعد از دبیران و معلمان جغرافیا، نوبت به هزاران باغ‌دار و کشاورز اطراف دریاچه رسید تا نسبت به خشکی دریاچه حساسیت نشان بدهند: آن‌ها می‌دانستند معیشت و زندگی‌شان به دریاچه وابسته است و اگر دریاچه خشک شود، زندگی‌شان تعطیل می‌شود!

طرفداران محیط‌زیست و علاقه‌مندان به نظام‌های زیستی هم به سرعت به تحقیق پیرامون موضوع پرداختند.

دریاچه‌ها روی نقشه نیشخند

سیاوش شایان

چرا دریاچه ارومیه این قدر مهم است؟

زندگی ده‌ها هزار نفر به‌طور مستقیم به فعالیت‌های مرتبط با دریاچه وابسته است. از باغ‌داران و کشت‌کاران گرفته تا قایق‌رانان و کسانی که امور رفت و آمد بین بندر و دریاچه را انجام می‌دهند. آب‌های نفوذی از دریاچه از چاه‌های پیرامون با پمپ‌ها بیرون می‌آید و به شکل آب شیرین به مصرف آشامیدن، صنایع و کارگاه‌ها، و باغ‌ها می‌رسد. ده‌ها رودخانه بزرگ و کوچک هم که تأمین آب‌های دریاچه برعهده آن‌هاست و آب‌های خود را به درون دریاچه می‌ریختند، بر روی تعدادی از آن‌ها سد بسته شده است و دیگر آب آن‌ها به دریاچه نمی‌ریزد. می‌توانید روی یک نقشه از آذربایجان نام این رودها و سدها را پیدا کنید؟

بیشتری یافته‌اند. مهم این است که حیات گیاهی و جانوری پیرامون دریاچه تغییر یافته است. به قول دوست‌داران حفظ محیط‌های طبیعی، «اکوسیستم دریاچه» دچار تغییر شده و آن را به سوی شوره‌زار شدن پیش می‌برد. این امر یعنی تعداد زیادی از پرندگان زیبایی که در گذشته در دریاچه و جزیره‌های فراوان آن و یا در کناره‌هایش زندگی می‌کردند، حالا دیگر باید به جای دیگری بروند. دیگر فلامینگوهای پادراز با نوک‌های برگشته و بال‌های صورتی در این دریاچه کمتر دیده می‌شوند. در جزیره‌های دریاچه هم تعداد زیادی از جان‌داران و چارپایان زندگی می‌کردند که زندگی آن‌ها هم دچار تغییر شده است. در شوره‌زار که جزیره تشکیل نمی‌شود!

چه باید کرد؟



از دست دانش‌آموزان فقط این برمی‌آید که پیگیر شوند تا دریاچه ارومیه روی نقشه ایران باقی بماند. آنان باید به دستکاری‌ها و بهره‌برداری‌ها از منابع و اراضی دریاچه حساسیت نشان دهند. پیرامون آن تحقیق کنند و به مسئولان بگویند: «ما دریاچه می‌خواهیم نه شوره‌زار!» مسئولان هم باید مواظب بهره‌برداری از منابع آبی اطراف دریاچه باشند. از سدها آب به اندازه کافی رها شود تا به دریاچه برسد. همچنین جلوی بهره‌برداری از چاه‌های غیرمجاز و فراوان پیرامون دریاچه گرفته شود. خلاصه، هر کس کاری از دستش برمی‌آید بکند تا دریاچه زیبای ارومیه، به شوره‌زار تبدیل نشود. همین...

تنها رودها و سدهای روی آن‌ها نیستند که باعث خشک شدن دریاچه می‌شوند یا آن را به سوی خشکی می‌برند. می‌گویند بارش‌های جوی در حوضه دریاچه کم شده‌اند یا چشمه‌هایی که در زیر دریاچه می‌جوشیدند و قسمتی از آب دریاچه را تأمین می‌کردند، خشک شده‌اند. عده‌ای هم می‌گویند، تعداد چاه‌هایی که در اطراف دریاچه زده‌اند و آب را بالا می‌کشند، خیلی زیادتر از گذشته شده است. علت خشک شدن دریاچه هر چه که باشد و سهم هر یک از عوامل بالا هر قدر هم که باشد، مهم این است که آب دریاچه کمتر از گذشته شده است و شوره‌زارهای اطراف آن وسعت